

## بررسی تبدیل مجازات حبس تعزیری با نظرداشتی بر قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

سجاد سلیماننگلی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۱۰/۲۰

### چکیده

در کنار تأسیسات حقوقی همچون معافیت‌های «قانونی» و «قضایی»، نهاد «تبدیل مجازات» قرار دارد. تبدیل مجازات در مفهوم اعم اقدامی در راستای فردی کردن مجازات، جلوگیری از تضييع حقوق مجنی علیه یا اولیای دم، جلوگیری از وهن دین، تحدید استفاده از زندان و نیز تحقق عدالت قضایی و تعدیبي عادلانه است. در حال حاضر تبدیل مجازات در حوزه مجازات‌های حدود، قصاص و تعزیرات جاری است. تبدیل مجازات‌های تعزیری به دو نوع «قانونی» و «قضایی» تقسیم می‌شود. تبدیل قانونی به شدت تابع شرایط مقرر در قانون است و تبدیل قضایی اصولاً تابع شرایط تخفیف مجازات می‌باشد و تشخیص آن به قاضی محکمه محول شده است. هدف این پژوهش بررسی تبدیل مجازات حبس تعزیری با نظرداشتی بر قانون کاهش مجازات حبس تعزیری است. نوع روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است و روش گردآوری اطلاعات از نوع اسنادی و کتابخانه‌ای بوده و ابزار جمع‌آوری اطلاعات فیش برداری از کتب، مقالات و منابع علمی متناسب با موضوع است. نتایج پژوهش نشان داد قانون کاهش مجازات حبس تعزیری راهی است به سوی کاهش جمعیت کیفری زندانها. این قانون در واقع انقلاب تقنینی در حوزه کاهش مجازات حبس ایجاد کرده است. اجرایی شدن این قانون ملازمه با کمتر شدن جمعیت زندانیان دارد.

### واژگان کلیدی

مجازات، حبس تعزیری، تبدیل مجازات، تقلیل مجازات.

۱. کارشناس ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گنبد کاووس، ایران.

## مقدمه

حقوقدانان اسلامی در مقام بیان مجازاتهای شرعی آنها را به چهار و به قولی پنج قسم شامل: حدود، قصاص، دیات و تعزیرات و کفارات تقسیم می نمایند (منتظری، ۱۴۰۹: ۴۴۳؛ محقق حلی، ۱۴۰۳: ۸۷).

در «حدود»، نوع، میزان و کیفیت مجازات مقرر اعم از حبس، شلاق، قتل، قطع، نفی، جز (تراشیدن موی سر) و ... شرعاً موضوعیت داشته و حاکم حق دخل و تصرف در آن را ندارد و علی الاصول نمی تواند چیزی بر آن بیفزاید و نه از آن بکاهد و یا آن را به مجازات دیگری تبدیل کند و یا اجرای آن را متوقف سازد (عامر، ۱۹۹۷: ۴۹).

بر همین اساس، ماده ۲۱۹ ق.م.ا. ۱۳۹۲ در این مورد تصریح می نماید: «دادگاه نمی تواند کیفیت، نوع و میزان حدود شرعی را تغییر یا مجازات را تقلیل دهد یا تبدیل یا ساقط نماید. این مجازات ها تنها از طریق توبه و عفو به کیفیت مقرر در این قانون قابل سقوط، تقلیل یا تبدیل است.»

قصاص مجازات جرایم علیه حیات یا تمامیت جسمانی اشخاص است و باید با جنایت جانی برابر باشد. رعایت مماثلت در آن الزامی است. دیه مالی است که از سوی شارع به سبب جنایت بر عضو یا نفس تعیین و باید حسب مورد به مجنی علیه یا ولی یا اولیاء دم او پرداخت شود.

بخش عمده ای از مجازات های اسلامی، به اعتبار جرائم ارتكابی به حوزه تعزیرات مربوط می گردد. هر آنچه از حوزه حدود، قصاص و دیات خارج است، داخل در تعزیرات اسلامی است.

بی تردید مقررات ناظر بر تبدیل در هر یک از این مجازاتها به اعتبار ماهیت و شرایط آنها با متفاوت است.

## ۱- تعاریف کلیدواژگان

### ۱-۱- مجازات

مجازات در لغت به معنای جزا دادن، پاداش و کیفر آمده است. مفهوم حقوقی مجازات از معنای لغوی آن دور نیفتاده است؛ حقوق کیفری تعریف زیر را از مجازات ارائه کرده است: "تحمیل واکنش اجتماعی به صورت رنج و تعب بر بزهکار" (گلدوزیان؛ ۱۳۹۹؛ ۲۹۱).

بنابراین، مجازات عبارت است از تنبیه و کیفری که بر مرتکب جرم تحمیل می شود. در واقع مجازات یا کیفر به معنای این است که اگر کسی عمل خلاف اخلاق عمومی یا عرف و عادت آن جامعه یا خلاف قانون انجام دهد چون آن عمل بد است پس باید عقوبت و پاداش آن عمل را ببیند یعنی تنبیه شود و یا مجازات شود تا هم خود و هم دیگران متنبه شوند و دیگر آن عمل را انجام ندهند یعنی باید مشقت آن عمل را بچشد و متوجه شود نتیجه آن عمل بد چیست (شهرکی، ۱۳۹۷).

### ۱-۲- حبس تعزیری

حبس تعزیری حبسی است که نوشته می شود و اجرا می شود و متفاوت با حبس حدی (یعنی حدود الله) است و در اختیار حاکم است. گاهی حبس تعزیری، مقابل حبس تعلیقی است که در مورد متهم اجرا نمی شود؛ اما حبس تعزیری اجرا می شود و نوعی تأدیب به شمار می آید که طبق شرع و ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران به نظر حاکم واگذار شده است.

این نوع حبس برای جرائمی در نظر گرفته می شوند که ریشه شرعی دارند و اعمال حرام محسوب می شوند اما مجازات معینی در شرع برای آنها تعیین نشده است (جعفرزاده و همکاران، ۱۴۰۲).

حکم حبس تعزیری به هشت درجه تقسیم شده است. در شرایطی امکان تخفیف و تبدیل حکم زندان تعزیری به جزای نقدی یا مجازات های جایگزین حبس وجود دارد.

### ۱-۳- مفهوم تبدیل مجازات

تبدیل در لغت به معنای عوض کردن، بدل کردن، دگرگون کردن، گرفتن چیزی به جای چیز دیگر و تحویل و تعویض است (عمید، ۱۳۷۳: ۶۳۸؛ دهخدا، ۱۳۵۵: ۳۰۳).

و در اصطلاح آن را می توان تغییر قانونی یا قضایی یا شخصی نوع مجازات مقرر (قانونی) حسب مورد از سوی دادگاه یا ذیحق به نوع دیگری از آنکه مناسب تر به حال مجرم یا ذیحق باشد، مشروط به احراز شرایط مقرر قانونی تعریف نمود. بدیهی است آنچه بیان شد تبدیل کیفر در مفهوم اعم می باشد لیکن تبدیل در هر یک از انواع مجازاتهای تعزیری، حدی و قصاصی به اعتبار ماهیت و شرایط آنها با یکدیگر متفاوت است. تبدیل در حوزه مجازات های تعزیری عبارت از تغییر قانونی یا قضایی نوع مجازات مقرر (قانونی) از سوی دادگاه، به نوع دیگری از آنکه مناسب تر به حال مرتکب باشد، مشروط به احراز شرایط مقرر می باشد (مرادی، ۱۳۸۹: ۳۱۲).

لیکن تبدیل مجازات قصاص اعم از نفس یا عضو در مفهوم اعم عبارت از تغییر اجباری یا اختیاری آن حسب مورد به دیه و یا دیه و تعزیر، به حکم قانون یا موافقت جانی می باشد. حال آنکه تبدیل حدود عبارت است از: تغییر نوع حد به علت توبه یا عفو به مجازات دیگر به تشخیص دادگاه و حسب مورد موافقت مقام رهبری یا رئیس قوه قضاییه می باشد.

### ۱-۴- تقلیل مجازات

تقلیل مجازات به معنای کاهش میزان مجازات تعیین شده برای یک فرد مجرم است. این فرایند به طور معمول تحت شرایط خاصی انجام می پذیرد، به ویژه در مواردی که شاکی به روش صلح آمیز با متهم به توافق رسیده و از شکایت خود صرف نظر می کند. این توافق می تواند به بهبود وضعیت فرد مجرم و جلوگیری از عواقب منفی ناشی از صدور حکم سنگین کمک کند (گلدوزیان، ۱۳۹۸).

«تخفیف مجازات»، به معنای پایین تر آمدن از حداقل قانونی کیفر بدون تغییر نوع مجازات است. در قانون جدید، قانونگذار به جای واژه «تخفیف» از «تقلیل مجازات» استفاده کرده است (زراعت، ۱۴۰۰).

### ۲- آثار تبدیل مجازات های تعزیری

اول. جهات تبدیل تعزیر که البته عیناً با جهات تخفیف مجازات مشترک بوده و در بندهای هشتم ماده ۴۷ ق.م.ا. ۶۴۵۰ مندرج می باشند، بنابراین تبدیل تعزیری نوعی تخفیف مجازات می باشد.

دوم. تبدیل تعزیرات همیشه و در همه حال در راستای تأمین منافع و مصالح محکوم علیه انجام می گیرد؛ زیرا به صراحت ماده ۴۷ قانون مذکور مجازات تعزیری به شرطی و به نحوی تبدیل می شود. به بیان دیگر تبدیل تعزیرات، بزهکارمدار است.

سوم. هرچند در تبدیل تعزیرات اغلب منافع مجرم مد نظر قرار می گیرد معهداً حفظ مصالح و منافع جامعه نیز مد نظر دادگاه می باشد به همین جهت تبدیل تعزیرات همیشه و در همه حال منوط به تشخیص و تصمیم نهایی دادگاه است؛ بنابراین تبدیل تعزیر، قاضی مدار است.

چهارم. علی الاصول اراده ی محکوم علیه به طور مستقیم در تبدیل مجازات تعزیری نقشی نداشته و همانگونه که درخواست او مؤثر در مقام نیست، مخالفت او نیز مانع تبدیل نمی باشد.

پنجم. در تبدیل مجازاتهای تعزیری، جز در موارد مصرح قانونی تنوع مجازاتهای جایگزین بسیار موسع بوده و علی الاصول دادگاه در تغییر نوع مجازات مبسوط الید می باشد؛ چه آنکه مطابق بند (ت) ماده ۴۸ ق.م.ا. ۶۴۵۰ دادگاه می تواند در مقام تبدیل کیفر تعزیری نسبت به تقلیل یا «اقدام» تبدیل سایر مجازاتهای تعزیری به میزان یک یا دو درجه از همان نوع یا انواع دیگر نماید.

### ۳- دلایل عدم امکان تبدیل حبس به جزای نقدی در مقام تخفیف

با توجه به قرائن و مستندات موجود می توان مدعی شد که تبدیل حبس به جزای نقدی در مقام تخفیف مجازات، منطبق با موازین قانونی نیست. دلایل تقویت این ادعا به شرح ذیل است:

#### ۳-۱. تفاوت تقلیل و تبدیل

با مذاقه در معنای لغوی و اصطلاحی دو واژه «تقلیل» و «تبدیل» این نتیجه به دست می آید که صراحت بند (الف) ماده ۷۳ قانون مجازات (مصوب ۱۳۹۲) دلالت بر این امر دارد که قانونگذار در استعمال دو واژه مزبور عامد بوده است و به هیچ وجه نمی توان گفت مقنن این دو واژه را یکی انگاشته است به گونه ای که بتوان این دو را به جای هم به کار برد. بنابراین، تقلیل و تبدیل، هم به لحاظ لغوی و هم از نظر اصطلاحی با یکدیگر متفاوت بوده و اقتضای حکمت قانونگذار ایجاب می کند که در به کارگیری و استفاده از کلمات و عبارات، عبث و غیرهدهفمند عمل نکند و از سوی دیگر، صراحت بند (الف) ماده فوق الذکر دال بر تقلیل است نه تبدیل؛ چنانکه تصریح بندهای (ب) و (پ) ماده مذکور دلالت بر تبدیل دارد (اردبیلی، ۱۳۹۵).

#### ۳-۲. اتخاذ ساز و کاری نظام مند برای تبدیل حبس

به نظر می رسد قانونگذار با پیش بینی فصل نهم با عنوان «مجازاتهای جایگزین حبس» موضوع تبدیل مجازات حبس را از تقلیل آن تفکیک کرده است؛ به ویژه در ماده ۶۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) که صراحتاً برای تبدیل مجازات حبس به جزای نقدی ساز و کاری نظام مند در نظر گرفته است. از سوی دیگر، قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین (مصوب ۱۳۷۳) نیز تبدیل مجازات حبس به جزای نقدی را پیش بینی نموده است و طبق نظریات متعدد اداره حقوقی قوه قضاییه، با تصویب قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، قانون وصول بی آنکه نسخ گردد کماکان به اعتبار خود باقی مانده است.<sup>۱</sup>

#### ۳-۳. عدم تعیین حد و مرز برای تبدیل - عدم امکان تعیین درجه برخی مجازاتها

چنانچه بپذیریم دادگاه اجازه تبدیل حبس براساس بند (الف) ماده ۷۳ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) را دارد، با توجه به اینکه بند فوق صرفاً برای تقلیل حبس، حد و مرز مشخص کرده است بدین معنا که تقلیل حبس را تنها به میزان یک تا سه درجه اجازه داده است، برای «تبدیل مجازات» حد و مرزی مشخص ننموده است و این امر به معنای اعطاء اختیارات بی حد و حصر به قاضی است که از یکسو با فصل نهم قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) (مجازاتهای جایگزین حبس) در تعارض است چراکه قانونگذار در این فصل نه تنها اختیار دادگاه را در تعیین نوع مجازات جایگزین محدود و نظام مند کرده بلکه از نظر میزان تبدیل هم اختیارات دادگاه را محدود ساخته است و از سوی دیگر، ممکن است دادن اختیار بی حد و حصر به قاضی منجر به تالی فاسد فراوانی گردد.

<sup>۱</sup> نظریه شماره ۹۲/۶/۱۸-۷/۱۱۶۶ نظریه شماره ۹۲/۷/۱۵-۷/۰۸۳۱

حتی اگر بپذیریم دادگاه برای تبدیل حبس نیز باید حد و مرز بند (الف) را رعایت کند یعنی حبس را صرفاً به میزان یک تا سه درجه تبدیل نماید در برخی موارد امکان تعیین درجه مجازات با معیارهای ارائه شده در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی دشوار است. به طور مثال، اگر دادگاه با استناد به جوانی مرتکب به این نتیجه برسد که مجازات متناسب برای وی به جای ده سال حبس، یک سال اقامت اجباری در محل معین است، از آنجا که مشخص نیست یک سال اقامت اجباری مجازات تعزیری، درجه چند است لذا نمی توان مدعی شد در این مورد، تبدیل مجازات حبس به میزان یک تا سه درجه رعایت شده است (اسفندیار و پالیزبان، ۱۳۹۹).

### ۳-۴. نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه

اداره کل حقوقی قوه قضاییه در نظریات متعدد، صریحاً یا ضمناً این موضوع را بیان می دارد که بند (الف) ماده ۷۳ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، صرفاً اجازه تقلیل حبس را به دادگاه داده است. فلذا دادگاه نمی تواند مجازات حبس را به مجازات دیگری تبدیل نماید.<sup>۱</sup> برای مثال، اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۷/۹۳/۸۲۷ - ۱۳۹۳/۳/۳۱ اشعار می دارد: «قانونگذار در ماده ۷۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به دادگاه این اختیار را داده که در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، مجازات تعزیری را به شرح بندهای ذیل همین ماده، تقلیل یا تبدیل نماید. در مورد بند (الف) که صرفاً تقلیل حبس است دادگاه نمیتواند حبس را به مجازات دیگری تبدیل کند بلکه یک تا سه درجه حبس را تقلیل می دهد ولی در بند (ت) ماده ۷۳ قانون مذکور، قانونگذار اجازه داده است که سایر مجازات های تعزیری را به میزان یک تا دو درجه از همان نوع یا انواع دیگر تقلیل دهد».<sup>۲</sup>

لازم به ذکر است اگرچه نظریه مشورتی جنبه الزام آور ندارد اما به عنوان قرینه و به منظور تقویت دلایل، قابل استناد است.

### ۳-۵. رویه قضایی

آراء متعددی از مراجع تجدیدنظر و دیوانعالی کشور مبنی بر تقلیل مجازات حبس موضوع بند (الف) ماده ۷۳ صادر شده، که بر این امر که تبدیل مجازات حبس به جزای نقدی در مقام تخفیف، فاقد وجهت قانونی است تصریح دارد.<sup>۳</sup> بنابراین، به نظر می رسد رویه قضایی نیز به پذیرش تبدیل حبس به جزای نقدی در مقام تخفیف، مستند به مواد ۳۷ و ۸۳ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) تمایلی ندارد.

### ۳-۶. نقد دیدگاه مخالف

موافقت برخی حقوقدانان در خصوص تبدیل مجازات حبس به جزای نقدی مستند به ماده ۷۳ قانون مزبور، مبتنی بر چند دلیل ذیل است:

نخست اینکه با توجه به صدر ماده، قانونگذار بیان داشته دادگاه می تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب تر باشد به شرح ذیل تقلیل یا تبدیل نماید با این استنباط که قاضی دادگاه مخیر است مجازات حبس را به میزان

<sup>۱</sup> نظریه شماره ۷/۳۲۳۲ - ۹۴/۱۱/۲۰ - نظریه شماره ۷/۹۳/۸۲۷ - ۹۳/۳/۳۱ - نظریه شماره ۷/۹۲/۶۳۶۱ - ۹۲/۸/۲۵ - نظریه شماره ۷/۹۳/۶۹۹۱ - ۹۳/۸/۲۵ نظریه شماره ۷/۱۰۲۱ - ۹۲/۶/۲۰ - نظریه شماره ۷/۳۹۹ - ۹۲/۵/۳۰ - نظریه شماره ۷/۲۷۹ - ۹۲/۵/۲۸ - نظریه شماره ۷/۹۲/۷۱۱۲ - ۹۲/۱۱/۶

<sup>۲</sup> روزنامه رسمی شماره ۲۰۲۸۱ مورخ ۹۳/۷/۹۲

<sup>۳</sup> شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۲۷۰۰۲۶۸ مورخ ۹۳/۳/۵، مجموعه آراء قضایی دادگاههای تجدیدنظر استان تهران (کیفری) (تهران: قوه قضاییه، مرکز مطبوعات و انتشارات، بهار ۱۳۹۳)، شماره ۱۳۵.

حبس کمتری تقلیل داده یا به مجازات دیگری تبدیل نماید، ولیکن بنا به اراده، در تقلیل، باید یک تا سه درجه تقلیل دهد.

در مقابل این استدلال می توان گفت درست است که قانونگذار در صدر ماده، حکمی عام صادر نموده و در مجازات های تعزیری، هم اجازه تبدیل داده و هم اجازه تقلیل، منتها با مذاقه در صدر همین ماده مشخص می گردد که قانونگذار به صراحت یک قید وارد کرده و بیان می دارد: امکان تقلیل یا تبدیل «به شرح ذیل» امکان پذیر است و این عبارت (به شرح ذیل) مشخص کننده محدوده و قلمرو تخفیف، از نظر نوع و میزان آن (تخفیف) است.

از سویی دیگر با دقت نظر در بندهای مختلف ماده ۳۷ قانون مذکور می توان بیان نمود که هدف قانونگذار جدا کردن مجازاتهای حبس، انفصال دائم و مصادره اموال از سایر مجازاتها بوده است چراکه وی در بند (ت) ماده ۷۳ مقرر می دارد:

«تقلیل سایر مجازاتها ... از همان نوع یا انواع دیگر» و تقلیل مجازات به نوع دیگر، همان تبدیل مجازات است. به عبارت ساده تر، قانونگذار، تقلیل و تبدیل در همه مجازاتهای تعزیری را مجاز دانسته به جز مجازات حبس که صرفاً قابل تقلیل است و مجازات انفصال دائم و مصادره اموال که صرفاً قابل تبدیل هستند.

دلیل دیگر، سیاست حبس زدایی و تکلیف قوه قضاییه به حبس زدایی است.

در مقابل این استدلال می توان اذعان کرد اگرچه قانون برنامه ششم توسعه، قوه قضاییه را مکلف به حبس زدایی نموده اما عدم امکان تبدیل حبس به جزای نقدی با استناد به مواد ۷۳ و ۸۳ قانون یاد شده منافاتی با این مقرر ندارد زیرا:

۱- همانگونه که حکم به مجازات باید مستند به قانون باشد تخفیف مجازات نیز از این امر مستثنی نیست و قانون برنامه ششم توسعه هم به صراحت بیان می دارد حکم به مجازات جایگزین حبس باید «در حدود قوانین» با استفاده از نهادهای جدید مانند تعلیق تعقیب یا مجازات، تعویق صدور حکم، آزادی مشروط و مجازاتهای جایگزین حبس صورت گیرد،<sup>۱</sup> لذا با توجه به، در حدود قانون نبودن تبدیل مجازات حبس به جزای نقدی مستند به مواد ۷۳ و ۸۳ قانون مذکور، نمی توان گفت اصرار نگارنده بر عدم امکان تبدیل حبس به جزای نقدی، با سیاست حبس زدایی منافات دارد.

<sup>۱</sup> ماده ۱۱۳ قانون برنامه پنجساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران

به منظور افزایش دقت و سرعت در ارائه خدمات قضایی، تحقق عدالت قضایی و احیاء حقوق عامه، ارتقاء کیفیت و کاهش اطاله دادرسی و ایجاد فرصت برابر برای دسترسی آحاد مردم به خدمات قضایی و کاهش ورودی پرونده ها و پیشگیری از وقوع جرم و دعاوی و اصلاح مجرمان و کاهش جمعیت کیفری: ...

ت- به منظور پیشگیری از وقوع جرم با هدف کاهش ده درصدی (۱۰٪) سالانه آمار مجرمان:

۱- قوه قضاییه، مکلف است با استفاده از ظرفیت های تمامی دستگاه های اجرایی و بهره گیری از مشارکت اجتماعی مردم و سازمان های مردم نهاد و مراکز علمی و پژوهشی کشور نسبت به تهیه و تدوین برنامه جامع پیشگیری از وقوع جرم و ارتقاء سلامت اجتماعی با رعایت قوانین مربوط تا پایان سال اول اجرای قانون برنامه اقدام نماید.

۲- قوه قضاییه، مکلف است حداکثر تا پایان سال دوم اجرای قانون برنامه به منظور پیشگیری و کاهش جرم، دعاوی و اختلافات، نسبت به شناسایی عوامل مؤثر در بروز دعاوی و جرائم به تفکیک در حوزه های قضایی هر استان، اقدام و پس از بررسی جامع پژوهشی، اقدامات لازم را انجام و لوایح مورد نیاز را تهیه و با رعایت اصل هفتاد و چهارم (۷۴) قانون اساسی به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.

۳- سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مکلف است ضمن آگاهی دادن به مقامات قضایی در خصوص وضعیت آمار زندانیان و فضای آزاد زندان، ظرفیت پذیرش زندانیان را به صورت برخط و با رعایت جهات امنیتی در اختیار مقامات قضایی صلاحیت دار قرار دهد. قضات با لحاظ ظرفیت اعلام شده و تناسب قرار تأمین، از صدور قرارهای تأمین منتهی به بازداشت و یا احکام حبس جز در موارد ضروری به موجب قوانین مربوط، خودداری و با رعایت

۲- با مذاقه در مواد مختلف قانون برنامه ششم توسعه، چنین به نظر می رسد که تکلیف قانونی قوه قضاییه در خصوص سیاست حبس زدایی مربوط به مواردی است که قانونگذار دادگاه را در استفاده یا عدم استفاده از مجازات حبس (یا به طور کلی مجازات کردن) مخیر کرده است؛ و از آن جمله اند مواد ۴۰، ۴۶، ۵۸، ۶۲، ۶۷، قسمت دوم ماده ۶۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، مواد ۸۴۵، ۶۵۵، ۱۸۵، ۲۸۵، ۳۸۵، ۴۸۵، ۸۰۶، ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵) و... بنابراین، مقصود از به کارگیری سیاست حبس زدایی آن است که در جرائم خرد و در مواردی که امکان عدم صدور حکم به مجازات حبس به قضات داده شده است، قضات نباید به مجازات زندان اصرار ورزند و با عنایت به نبود چنین امکانی در مواد ۷۳ و ۸۳ قانون مزبور، می توان گفت اصرار نگارنده بر ناممکن بودن تبدیل حبس به جزای نقدی منافاتی با سیاست حبس زدایی ندارد.

۳- اینکه قانون برنامه ششم توسعه، قوه قضاییه را مکلف به حبس زدایی نموده و قانونگذار سیاست حبس زدایی را در پیش گرفته است، موجب نمی شود مواد قانونی را که اساساً بی نیاز از تفسیر هستند نه تنها تفسیر نمایم بلکه به غلط و برخلاف صراحت مواد تفسیر کنیم. بنابراین، به بهانه عمل به این تکلیف نمی توان مواد ۳۷ و ۳۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) را به اشتباه تفسیر نمود (شهبازی و شیرانی بیدآبادی، ۱۳۹۷).

#### ۴- قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

قانون کاهش مجازات حبس تعزیری راهی است به سوی کاهش جمعیت کیفری زندانها. این قانون در واقع انقلاب تقنینی در حوزه کاهش مجازات حبس ایجاد کرده است. اجرایی شدن این قانون ملازمه با کمتر شدن جمعیت زندانیان دارد. قانون مجازات اسلامی اخیرالتصویب مربوط به سال ۱۳۹۲ می باشد. قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب سال ۱۳۹۹ می باشد که در واقع مجازات های حبس مقرر در قوانین سابق را که مربوط به قانون مجازات بخش تعزیرات و سایر قوانین اخیرالتصویب می باشد را تحت تأثیر قرار می دهد (زینالی، ۱۳۹۹).

#### ۴-۱- قانون کاهش حبس تعزیری عطف به ما سبق می شود

این قانون بنابر اصول و قواعد حقوقی از جمله اصل شخصی بودن مجازات ها و اصل متناسب بودن تعقیب و مجازات و اصل تعیین حداقل مجازات حبس می باشد؛ و همچنین در راستای کاستن از جمعیت کیفری زندانها و صرفه جویی در هزینه های مربوط به اداره زندانها می باشد. قانون کاهش مجازات حبس تعزیری به استناد مواد ۱۰ و ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ عطف به ماسبق می شود.

بدین معنا که چنانچه با اجرایی شدن این قانون اگر شخصی مرتکب جرمی شده که مجازات حبس داشته لکن در این قانون مشمول پرداخت جزای نقدی می شود در مورد این فرد همین قانون قابل اجرا خواهد بود و حتی اگر پرونده وی منتهی به صدور حکم قطعی و لازم الاجرا هم شده باشد اجرای احکام می بایست پرونده را جهت اعمال این قانون برای صدور حکم جدید به دادگاه اعاده نماید مثال بارز این می تواند در مورد جرائم فحاشی، توهین و افترا باشد که مجازات این جرایم مشمول تخفیف و تبدیل شده است (زینالی، ۱۳۹۹).

قوانین مربوط از تأسیس های جدید کیفری مانند تعلیق یا مجازات، تعویق صدور حکم، آزادی های مشروط و مجازات های جایگزین حبس استفاده خواهند نمود. دادسرای انتظامی قضات بر حسن اجرای این بند نظارت می کند.

تبصره- دستورالعمل اجرایی این بند توسط سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و با همکاری وزارت دادگستری، تهیه و به تصویب رئیس قوه قضاییه می رسد.

## ۴-۲- شرح تغییرات قانون مجازات اسلامی با قانون کاهش حبس تعزیری

موضوع دیگری که در این قانون به آن تصریح شده است مربوط به جرایمی است که قبلاً غیرقابل گذشت بوده لکن در حال حاضر قابل گذشت تلقی می شوند بدیهی است این گونه پرونده‌ها نیز می تواند با اعلام گذشت شاکی خصوصی منجر به موقوف شدن اجرا شود. در قانون جدید تبدیل مجازات حبس به سایر مجازات ها در حالت تخفیف نیز عملی شده است چنانچه حبس درجه ۵، ۶ و ۷ به جزای نقدی امکان پذیر شده است.

اجرای شدن این قانون تأثیر مستقیمی در حوزه های حقوق جزای عمومی و حقوق جزای اختصاصی و آیین دادرسی کیفری داشته است و انقلابی در قوانین کیفری و در احکام دادگاه ها و آرای قطعی و لازم الاجرا ایجاد خواهد کرد. قواعد مربوط به تعدد و تکرار جرم را تغییر داده است. امکان تقلیل درجات مجازات حبس را ایجاد کرده است. حداقل و حداکثر مجازات حبس را تنصیف کرده است.

دایره شمول جرائم قابل گذشت را گسترش داده است به عنوان مثال می توان به بزه کلاهبرداری و انتقال مال غیر که ارزش مال که تا یکصد میلیون تومان باشد اشاره نمود که با شکایت شاکی موضوع قابل تعقیب خواهد بود و با اعلام گذشت شاکی قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد شد و چنانچه رأی قطعی صادر شده باشد با اعلام گذشت شاکی قرار موقوفی اجرای حکم صادر خواهد شد و پرونده مختومه اعلام خواهد شد.

مبنای تعیین مجازات حبس حداقل خواهد بود و در واقع می توان این را به عنوان اصل قرار داد که اصل بر تعیین مجازات حداقل حبس می باشد؛ و چنانچه قاضی اراده بر تعیین مجازات بیشتر از حداقل داشته باشد نیاز به تصریح و بیان علت دارد در غیر این صورت با ضمانت اجرای این قانون مواجه خواهد شد که تخلف مجازات انتظامی تا درجه چهار می باشد (زینالی، ۱۳۹۹).

### نتیجه گیری

مجازات ها که در نتیجه نقض قوانین اعمال می شود اهدافی دیگری غیر از حفظ و صیانت جامعه را نیز دنبال می کند، یکی از مهم ترین این اهداف اصلاح و باز پروری مجرمان در راستای اصل فردی کردن مجازات هاست، بر همین اساس دست اندرکاران نظام های کیفری دست به تخفیف مجازات می زنند، در نظام کیفری ایران ضمن پذیرش این اصل مهم اصولاً تخفیف در مجازات های تعزیری به صورت معاذیر الزامی تخفیف دهنده و کیفیفات مخففه که در ماده ۳۷ و ۳۸ و تبصره الحاقی و اصلاحات بر اساس قانون کاهش تعزیری است که حسب مورد مجازات های قانونی تعیینی در مرحله اعمال و اجرا، تقلیل، تبدیل و در نهایت مناسب به حال متهم می گردد تا تناسب بین جرم و مجازات را برقرار کند، با تصویب قانون کاهش حبس تعزیری در تاریخ ۲۳/۲/۱۳۹۹ موارد اعمال و تعیین تخفیف و رویکردی های تخفیفی گسترش یافت و قانونگذار با کاهش از مدت حبس های تعزیری و افزایش جرایم قابل گذشت و تسهیل اعمال نهادهای تخفیفی گام های بلندی در جهت تخفیفی و اعمال مجازات مساعد به حال متهم برداشت که تمام این سیاست ها در جهت کاهش تورم کیفری و کاهش جمعیت کیفری زندان هاست.

در صورت وجود جهات تخفیف، دادگاه نمی تواند مستند به بند الف ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مجازات حبس تعزیری را به مجازاتی از نوع دیگر تبدیل نماید. چراکه ماده مذکور صرفاً اجازه تقلیل حبس را داده است؛ بنابراین، چنانچه دادگاه بخواهد مجازات حبس تعزیری را به مجازات دیگر تبدیل کند باید به مقررات مجازات های

جایگزین حبس (مواد ۶۴ به بعد قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) و یا قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین استناد نماید.

### منابع و مأخذ

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۸). حقوق جزای عمومی ۳، جلد ۳، تهران، انتشارات میزان.
- اسفندیار، ایمان؛ پالیزبان، حمیدرضا (۱۳۹۹). تخفیف مجازات در آیین قانون کاهش حبس تعزیری، کنفرانس بین المللی فقه، حقوق، روانشناسی و علوم تربیتی در ایران و جهان اسلام، کرج.
- جعفرزاده، سیامک؛ نیکخواه سرنقی، رضا؛ علیزاده، حمید (۱۴۰۲). تحولات بنیادین قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در فرآیند تحقیقات مقدماتی، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۱۱، شماره ۴۲: ۱۲۱-۱۵۱.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۵۵). لغت نامه دهخدا، جلد ۳، تهران، دانشگاه تهران.
- زراعت، عباس (۱۴۰۰). شرح مختصر قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲). تهران، نشر ققنوس.
- زینالی، حسن (۱۳۹۹). آثار قانون کاهش مجازات حبس تعزیری بر احکام قطعی و لازم الاجراء دادگاه ها، قابل دسترسی در: <https://vakiltop.com>
- شهرکی، مهدی (۱۳۹۷). تحولات کیفرشناسی در قانون جزایی ایران. فصلنامه قانونیار، شماره ۶: ۱۸-۳۵.
- شهبازی، امید؛ شیرانی بیدآبادی، پویا (۱۳۹۷). نقد رأی صادره در خصوص تبدیل مجازات حبس به جزای نقدی در مقام تخفیف مجازات، ۶ (۱۸): ۱۲۹-۱۲۱.
- عامر، عبدالعزیز (۱۹۹۷ م). التعزیر فی الشریعه الاسلامیه، شرکه مکتبه و مطبعه مصطفی البابی الحلبی و اولاده مصر.
- عمید، حسن (۱۳۷۳). فرهنگ سه جلدی، جلد دوم، تهران، بی نا.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۹). بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات میزان.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۸). محشای قانون مجازات اسلامی بر مبنای قانون مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ به همراه مفاهیم جدید و قوانین جزایی پیشین. تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- مجموعه آراء قضایی دادگاههای تجدیدنظر استان تهران (کیفری) (۱۳۹۳). تهران: قوه قضاییه، مرکز مطبوعات و انتشارات، شماره ۱۳۵.
- مرادی، حسن (۱۳۸۹). «تبدیل مجازاتهای تعزیری و بازدارنده در حقوق کیفری ایران»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، ۱۲ (۳۱): ۶۲-۴۴.
- مرادی، حسن (۱۳۹۶). تبدیل قصاص در حقوق کیفری ایران، مجله پژوهش حقوق کیفری، ۶ (۲۱): ۱۱۴-۷۳.
- منتظری، حسینعلی (۱۴۱۹ ه.ق). دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، جلد دوم، المركز العالمی للدراسات الاسلامیه.